

بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی

Iranian Youth Attitudes To Marriage: Findings from a National Survey

Mohammad Taghi Delkhamoush, PhD

Islamic Azad University
South Tehran Branch

محمدتقی دلخמוש

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

چکیده

در این مقاله یافته‌های یک پیمایش ملی درمورد بازخورد جوانان ایرانی به ارزش‌های ازدواج، بازبینی شده است. در پیمایش ۲۶۸۰ مرد و زن دانش‌آموز و دانشجو از چهار مرکز استان (تهران، تبریز، زاهدان و سنج) مشارکت داشتند. و "زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج" (دلخמוש، ۱۳۸۶) را که ملهم از نظریه ارزش‌های فرهنگی شوارتز (شوارتز و راس، ۱۹۹۵) است، تکمیل کردند. برای مقایسه گروه‌ها در پاسخ به مواد زمینه‌یاب از آزمون‌های نامتربیک بهره‌گرفته شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که مثبت‌ترین بازخوردها به موضوع‌های ازدواج، مبتنی است بر ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری، و منفی‌ترین بازخوردها به موضوع‌هایی اظهار شده‌اند، که ارزش‌های محاط‌شدگی در ازدواج را پاس می‌دارند. با این وجود، نمی‌توان سوگیری جوانان به ارزش‌های خودپیروی و برابرنگری را به تمام موضوع‌های ازدواج تسری داد. این بدین معناست که به‌رغم روی‌آورد غیرسستی‌تر جوانان به ازدواج، ارزش‌های خودپیروی به منزله توجیهات مشروع رفتار زناشویی، هنوز وسیعاً مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند. همچنین، تفاوت‌های بازخورد گروه‌ها به ارزش‌های ازدواج، بر اساس ماهیت توسعه اجتماعی-اقتصادی ایران و تأثیر متفاوت آن بر ارزش‌های سنتی گروه‌ها تبیین شد.

واژه‌های کلیدی: ارزش‌های ازدواج، ارزش‌های فرهنگی شوارتز، بازخورد، ایرانی

Abstract

In this article the findings of a national survey regarding Iranian youth attitudes to marriage were presented. A sample of 2680 male and female university and high school students from cities of Tehran, Tabriz, Zahedan and Sanandaj participated and answered Marriage Values Survey (Delkhamoush, 2005) derived from Shwartz Cultural Values Theory (Shwartz & Ros, 1995). Findings indicated autonomy and egalitarianism as the foremost positive values towards marriage and embeddedness as the foremost negative value toward marriage. However, autonomy and egalitarian values were not associated to all aspects of marriage. In other words, despite of the nontraditional attitudes of youth toward marriage, autonomy was not applied to all marital behaviors. Differences in groups' attitudes toward marriage values were discussed on the basis of Iran socio-economic development and its various effects on traditional values of the Iranian society.

Keywords: marriage values, Shwartz cultural values, attitude, Iranian

received: 20 April 2013

accepted: 19 June 2013

Contact information: delkhamoush@azad.ac.ir

دریافت: ۹۲/۱/۳۱

پذیرش: ۹۲/۳/۲۹

مقاله برگرفته از بخشی از پژوهشی است که با اعتبار سازمان ملی جوانان اجرا شده است.

مقدمه

چنان‌دان که چاره نباشد ز جفت ز پوشیدن و خورد و جای نهفت اگر پارسا باشد و رای زن یکی گنج باشد براگنده زن خردمند و هشیار و با رای و شرم سخن گفتنش خوب و آوای نرم (فردوسی)

به‌رغم تداوم ارائه گزارش‌های فراگیر از کاهش نرخ ازدواج و افزایش سن ازدواج در اغلب کشورهای صنعتی جهان تا پایان اولین دهه هزاره سوم (نمونه‌های اخیر، پارکر و وسلو، ۲۰۰۹؛ پین، ۲۰۱۱؛ چرلین، ۲۰۱۰؛ ویلافی، کارول، وایتاس و هیل، ۲۰۱۲)، و بحث بر سر تغییر و تنوع مسیرهای ازدواج و الگوهای جدید روابط زندگی مشترک (قرار عاشقی^۱، زندگی مشترک غیررسمی^۲، ازدواج هم‌جنس^۳) از خلال یافته‌های پیمایش‌های ملی (اسماک و منینگ، ۲۰۱۰؛ اسماک، منینگ و دوریس، ۲۰۱۳؛ آماو، لندل، هاواسویچ - بروکس و توث، ۲۰۰۸؛ کندی و بامپس، ۲۰۰۸؛ منینگ، ۲۰۱۰) و پاره‌ای اظهار پیش‌آگهی‌ها از فرایند نهادینه‌سازی‌زدایی^۴ از ازدواج (چرلین، ۲۰۰۴؛ ویلافی، هال و لوکزاک، ۲۰۱۳)، هنوز برای اغلب افراد ازدواج یک هدف مهم است و اکثریت پرشماری از افراد انتظار دارند که روزی ازدواج کنند: در ایالات متحده ۸۰ درصد جمعیت بزرگسال تا ۴۰ سالگی حداقل یک‌بار ازدواج می‌کنند (سرستن و ری، ۲۰۱۰). و در برابر دیدگاه‌های ضد ازدواج، همچنان مزیت‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ازدواج از سوی صاحب‌نظران به‌استناد یافته‌های پژوهشی مورد تأکید قرار می‌گیرد (نقد و بررسی اخیر: آماو، ۲۰۱۲) و ازدواج یک نهاد منسوخ نیست.

اگر ارزش ازدواج هنوز زنده است، اما حتی در جوامعی که به‌پشتوانه پیشینه تاریخی و بافت^۵ فرهنگی، در آنها ارزش‌های سنتی و دینی نفوذ دارند، دیگر ازدواج در حصار هاله قدسی نیست و تقدس‌زدایی از الگوهای زناشویی، جریانی مداوم و رو به‌گسترش است.

بحث‌های جاری در ادبیات ازدواج بر اهمیت هنجارهای فرهنگی (از جمله هنجارها و هویت قومی-گروهی) در بازتولید و تقویت الگوهای ازدواج، و در نتیجه در تأثیرگذاری بر فرایندهای تشکیل خانواده توجه داشته است. از سوی دیگر،

طرفداران نظریه‌های نوسازی^۶ و همگرایی^۷ بر این باورند که تحولات سریع اقتصادی - اجتماعی، تأثیر فرهنگ بر فرایندهای شکل‌گیری خانواده را با تغییر اهدافی که به‌شکل سنتی در خدمت هنجارهای ازدواج بوده، تقلیل داده‌اند. بدین‌ترتیب، تجربه نوسازی به انقلاب خانواده منجر شده، و با اشاعه ارزش‌های مدرن همچون عشق، تخیل عاشقانه، و خودپیروی عاطفی، استلزام‌های جدیدی را برای الگوهای ازدواج و نهاد خانواده به‌همراه داشته است. و الگوهای شکل‌گیری خانواده در جوامع گوناگون در مجموعه‌ای از ویژگی‌های همگرا (سن ازدواج، نقش تولید مثل و باروری زنان جوان، سکنا پس از ازدواج و ...) به‌طور فزاینده‌ای همگون شده است.

در طی دهه‌های اخیر شواهد مهمی از تغییر الگوهای ازدواج در ایران توسط پژوهشگران رشته‌های مختلف، با دیدگاه‌های متفاوت مستندسازی شده است (برای نمونه، انسان‌شناسی: تریمین، ۲۰۰۶؛ جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی: آزادارمکی، ۲۰۰۶؛ احمدنیا و مهریار، ۱۳۸۳؛ تشکری و تامسن، ۱۹۸۸؛ عباسی‌شوازی، عسگری‌ندوشن و تورنتون، ۲۰۰۲؛ عبداللهیان، ۲۰۰۴؛ روان‌شناسی: دلخوش، ۱۳۸۶). که مؤید شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی غیرسنتی در حوزه بازخورد^۸ به خانواده و ازدواج است. شالوده اصلی دلالی که در خلال این گزارش‌ها برای وقوع این تغییرات اقامه شده، متوجه تأثیرپذیری ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی از فرایند نوسازی و جهانی‌شدن^۹ است، که با شاخص‌هایی چون، توسعه شهرنشینی، گسترش خانواده هسته‌ای^{۱۰}، دسترسی بهتر به آموزش و رسانه‌های گروهی، ورود زنان به بازار کار، ارتقاء حقوق زنان، تغییر در قوانین ازدواج و طلاق، افزایش میزان طلاق، کاهش موالید و افزایش سن ازدواج، بازنمایی شده است. پی‌جویی رد و اثر فرایند نوسازی بر ارزش‌های ازدواج در ایران از منظر فرهنگی، و تدقیق در معانی و محتوای ارزش‌های ازدواج برحسب ملاک‌های ارزش‌های فرهنگی، از خلال تحلیل بازخوردها، در سطح چهار قوم مرد و زن جوان ایرانی، هدفی است که در این مقاله پی‌گرفته شده است. مختصات تغییرات و تفاوت‌های فرهنگی در روند جهانی‌شدن

- | | | | |
|----------------------|------------------------|------------------|-------------|
| 1. dating | 4. deinstitutionalized | 7. convergence | 10. nuclear |
| 2. cohabitation | 5. context | 8. attitude | |
| 3. same-sex marriage | 6. modernization | 9. globalization | |

مثال، چه اعمالی برای زوجین مجاز یا ممنوع شمرده می‌شود). در این صورت، می‌توان پیش‌بینی کرد که ارزش‌های ازدواج، با توجه به معانی‌شان، با ریخت‌های ارزش‌های فرهنگی ارتباط داشته باشند (برای نمونه، ارزش نجابت همسر، با ریخت جمع‌نگر و یا، ارزش هیجان‌برانگیز بودن همسر، با ریخت فردنگر) و انتظار داشت که تحلیل‌ها نشان‌دهند، ارزش‌های ازدواج در قالب ابعادی متناظر با ابعاد ارزش‌های فرهنگی جای گیرند.

ارزشیابی‌های پژوهش حاضر مبتنی است بر چهارچوب مفهومی ارزش‌های فرهنگی ازدواج (دلخوش، ۱۳۸۶) که بر ساخته از گسترش و تعمیم ابعاد الگوی ارزش‌های فرهنگی شوارتز (شوارتز و راس، ۱۹۹۵) به حیطة ازدواج و زناشویی می‌باشد.

ابعاد فرهنگی ارزش‌های ازدواج، عبارت‌اند از معانی و دریافت‌های ارزشی، در قلمرو ازدواج که اعضای جامعه در آنها اشتراک دارند: محاطشدگی در برابر خودپیروی، و سلسله‌مراتبی در برابر برابرنگری (شکل ۱).

را می‌توان برحسب نشانگان فرهنگی "فردنگری-جمع‌نگری"^۱ در دو تراز "افقی - عمودی"^۲، به بهترین شکل مورد مطالعه قرار داد (برای نمونه، نگاه کنید به تریاندیس، ۱۹۹۶؛ شوارتز، ۱۹۹۴؛ شوارتز و راس، ۱۹۹۵). شوارتز و راس (۱۹۹۵) در سنجش تجربی ابعاد ارزشی سطح - فرهنگ، به معرفی هفت ریخت ارزشی، در قالب سه بعد دوقطبی می‌پردازند، که دو بعد از سه بعد ارائه شده، با ابعاد فردنگری - جمع‌نگری و افقی - عمودی مطابقت دارند. این دو بعد در نظریه شوارتز تحت عنوان خودپیروی^۳ (که به لحاظ مفهومی شامل دو ریخت متمایز خودپیروی عقلی^۴ و خودپیروی عاطفی^۵ می‌شود)، در برابر محاطشدگی^۶ و سلسله‌مراتبی^۷ در برابر برابرنگری^۸ نامگذاری شده‌اند.

ارزش‌های ازدواج به منزله جلوه‌های ارزش‌های فرهنگی در نظر گرفته می‌شوند. ارزش‌های فرهنگی قواعد ازدواج را توجیه می‌کنند (برای نمونه، چه کسی برای همسری شایسته است) یا مفروضه‌های عملی قلمرو زندگی زناشویی را فرامی‌خوانند (برای



شکل ۱. روابط بین ریخت‌های ارزش‌های فرهنگی ازدواج جوانان ایرانی (تحلیل کوچکترین فضا از داده‌های ۲۶۸۰ جوان ایرانی)

یا مذهب برای ازدواج تکلیف می‌کنند. ارزش‌های ازدواج در قطب خودپیروی، از خلال جستجوی بیان کردن ویژگی‌های درونی خاص خویش در عرصه ازدواج است که با پی‌گیری رهنمودهای عقلی خاص خویش (خودپیروی عقلی) و پیگیری مستقل تجربه‌های مثبت عاطفی (خودپیروی عاطفی)، معنا می‌شود.

سلسله‌مراتبی در برابر برابرنگری. این بعد با مسئله تضمین رفتار اجتماعی مسؤولانه، انگیختن افراد به در نظر

محاطشدگی در برابر خودپیروی. این بعد نشان می‌دهد که افراد تا چه اندازه اشخاصی خودپیرو یا اجزای محاطشده گروه‌ها در نظر گرفته می‌شوند. احترام به سنت، تأکید بر حفظ وضع موجود و رفتارهای مرسوم، و در مقابل، تأکید بر یگانگی و استقلال خاص خویش؛ دو قطب متعارض این بعد را بازنمایی می‌کند (شوارتز و راس، ۱۹۹۵).

ارزش‌های ازدواج در قطب محاطشدگی، از خلال احترام، ارزنده‌سازی و پذیرش آداب، قواعد و نقش‌هایی است که سنت

- | | | | |
|-------------------------------|--------------------------|-----------------------|-------------------|
| 1. individualism-collectivism | 3. autonomy | 5. affective autonomy | 7. hierarchy |
| 2. vertical-horizontal | 4. intellectual autonomy | 6. embeddedness | 8. egalitarianism |

گرفتن رفاه و حقوق دیگران و اداره کردن وابستگی‌های متقابل آنها، رابطه دارد. در بعد برابرنگری، افراد نسبت به رفاه همگانی و برابری احساس علاقمندی می‌کنند، در مقابل، در بعد سلسله‌مراتبی، افراد بر مشروعیت توزیع‌های نابرابر قدرت، نقش‌ها و امکانات تأکید می‌کنند (شوارتز و راس، ۱۹۹۵).

ارزش‌های ازدواج در قطب سلسله‌مراتبی، به منزلهٔ ارزش‌سازی منابع قدرت و اعتقاد به توزیع نابرابر قدرت و نقش‌ها در زندگی زناشویی است.

ارزش‌های ازدواج در قطب برابرنگر، به منزلهٔ احساس تعهد نسبت به هم‌عملی^۱ داوطلبانه با همسر و پذیرش نقش‌های برابر در زندگی زناشویی است.

بر اساس ابعاد ارزش‌های فرهنگی ازدواج، می‌توان شماری قابل ملاحظه‌ای از ارزش‌های ازدواج و زندگی زناشویی را مقوله‌بندی کرد و در سنجش و پیمایش اجتماعی، افزون بر تشخیص سوگیری و گرایش مثبت یا منفی به این ارزش‌ها، جنبهٔ محتوایی این بازخوردها را تعیین کرد.

ارزش‌هایی که در پیمایش حاضر سنجیده شدند، در حوزهٔ ازدواج و زناشویی، (۱) در تجربهٔ عمومی افراد قرار دارند، (۲) در زمرهٔ مسائل چالش‌برانگیز اجتماعی (ایران) محسوب می‌شوند، و (۳) واجد ارزش نظری و مطالعاتی علمی و پژوهشی هستند.

پایداری زندگی زناشویی و پذیرش طلاق. در تمام جوامع ازدواج به‌منزلهٔ پیوندی نسبتاً دائمی تلقی می‌شود. آن‌چنان‌که در شماری از جوامع به‌واقع غیرقابل فسخ است. پایداری ازدواج امکان می‌دهد که از خلال یک پیمان مادام‌العمر برای باقی‌ماندن در کنارهم، ازدواج نهادی مناسب برای پروردن و اجتماعی شدن نسلی از اعضاء جامعه شود، و هنجارها و ارزش‌هایی که ازدواج معطوف به برآورد اهداف آنهاست، مداومت بیابند.

آیا جوانان ازدواج را تعهدی مادام‌العمر می‌دانند؟ یا طلاق را امری محتمل در ادامهٔ زندگی زناشویی؟ طلاق و فسخ ازدواج، به‌ویژه برای زنان، در باور عمومی جامعهٔ ایرانی واقعه‌ای مذموم تلقی می‌شود. آیا در دههٔ های اخیر از فشار باورهای جمعی بدان حد کاسته شده است، که انعکاس آن را در بازخورد جوانان به طلاق بتوان یافت؟

آداب و رسوم و سنت‌های مراسم ازدواج. التزامها و تکالیف

آغاز زندگی زناشویی برای تازه دامادها و عروس‌های ایرانی (شیربهاء، مهریه، خرج عروسی، جهیزیه، ...) هرچند همچنان برقرار است، اما آیا از اهمیت و ارزش آنها، خاصه در شهرهای بزرگ کاسته نشده است؟ اکثر مردم بر این باورند که شیربهاء رسمی خفت‌بار برای زن است (افخمی، ۱۹۹۴؛ حائری، ۱۹۸۹). مهریه و جهیزیه در پاره‌ای موارد نماد بارزی برای نمایش پایگاه اقتصادی شده است، آیا زوج‌های جوان تحصیل‌کرده پیرو چنین سنت‌هایی هستند و با این دیدگاه‌ها موافقت؟

درون‌همسری^۲. درون‌همسری (ازدواج با خویشاوند) با توسل به روایات مذهبی به‌انحاء مختلف در فرهنگ ایرانی ترویج می‌شده و مقبولیتی آسمانی داشته است (عقد پسر عمو و دختر عمو در آسمان‌ها بسته شده است)، به‌حدی که برطبق یافته‌های پیمایش سال ۱۹۷۷، از هر چهار ازدواج در نواحی روستایی یک ازدواج درون‌همسری بوده است (گیونز، هریشمن، ۱۹۹۴). اما با توجه به اینکه امروزه، جوانان با مشکلات ژنتیکی فرزندآوری در چنین ازدواج‌هایی بیشتر آشنا شده‌اند، به‌نظر می‌رسد از مقبولیت این‌گونه ازدواج‌ها کاسته شده باشد؛ آیا این برآورد صحیح است؟

تأثیر والدین در انتخاب همسر^۳. خواستگاری تشریفاتی و سنتی از سوی خانوادهٔ پسر از خانوادهٔ دختر، و در برابر آن، آشنایی اولیه دختر و پسر، و زان‌پس دلبستگی و عشق رمانتیک از خلال دیدارها و قرار و مدارهای خود جوانان. در بین این دو قطب، پسند جوانان کدام سوست؟ آیا جوانان کسب موافقت والدین را در انتخاب همسر الزام‌آور می‌دانند؟ یافته‌های پژوهشی در تأیید این فرضیه‌اند که سطح تأثیر والدین در انتخاب همسر مرتبط است با سطح جمع‌نگری در فرهنگ (بیونک، پارک و دانکن، ۲۰۱۰). جامعهٔ جوانان ایرانی به‌چه میزان در انتخاب همسر خود پیروست؟

اهمیت فرزندآوری. در اغلب جوامع، ازدواج برای فرزندآوری صورت می‌پذیرد. از چشم‌انداز تکاملی‌نگری زیستی^۴ و جامعه‌زیست‌شناختی^۵، تمام افراد انسانی، به‌مانند دیگر گونه‌ها، با بازتولید (تکثیر) و سرمایه‌گذاری در فرزند (زاد و ولد) انتقال ژن خود به نسل‌های آینده را تضمین می‌کنند. برای حداقل دومیلیون سال و شاید طولانی‌تر ازدواج یا هر قرار

1. co-operation
2. endogamy

3. mate choice (mate selection)
4. evolutionary biology

5. sociobiology

غربی در مقایسه با ملت‌های شرقی درحال توسعه، اهمیت بیشتری برای عشق قائلند و فرهنگ‌های فردنگر برخلاف فرهنگ‌های جمع‌نگر در تصمیم‌گیری ازدواج به عشق سهم بیشتری می‌دهند. ایرانیان جوان در برزخ جمع‌نگری - فردنگری، چه سهمی برای عشق قائلند؟ عشق را پیش شرط ازدواج می‌دانند یا امید دارند که عشق پس از ازدواج شکل بگیرد؟

روابط جنسی پیش از ازدواج. آیا جوانان در ارتباط با جنس مخالف شریعت‌مدارند، یا خودمختار؟ آیا از قبح و مذمت روابط جنسی پیش از ازدواج کاسته شده است؟ گزارش یافته‌های پیمایش‌های پیشین نشان می‌دهد که ایرانیان باور دارند که مردان در ازدواج در جستجوی بکارت‌اند؛ که آن را نشانی از نجابت زن و اصالت خانوادگی وی می‌دانند (حجت و دیگران، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰).

توزیع قدرت: اقتدار مردانه. قدرت در خانواده برحسب توانایی کسی که بر دیگران نفوذ دارد و قادر است آنان را به کاری وادارد یا از کاری بازدارد، تعریف می‌شود. بر اساس نظریهٔ امکانات^۴ (بلاد و ولف، ۱۹۶۰) در یک منظر سیستمی کلان^۵، قدرت در افراد خانواده بر اساس دسترسی به امکانات (آموزشی، مالی و حرفه‌ای) توزیع می‌شود و نه بر اساس مزیت‌های زیست‌شناختی. با این وجود در تمام جوامع این باور و فکر قالبی وجود دارد که مردان بیش از زنان قدرت و اقتدار دارند. برای نمونه نتایج نظرسنجی گالوپ^۶ (۱۹۹۶) در ۲۲ کشور جهان، نشان داد که دریاقتی جهانی وجود دارد که زنان هیچانی، پرحرف و صبورتر از مردان، و مردان تهاجمی، جاه‌طلب و دلیرتر از زنان هستند.

تلاش برای درک ناهمسانی بین‌فرهنگی در رابطه بین امکانات و قدرت زناشویی، به گسترش نظریه امکانات در بافت فرهنگی (رادمن، ۱۹۷۲) انجامید. بر اساس این نظریه، توزیع قدرت زناشویی نه تنها منتج از سهم نابرابر امکانات، بلکه همچنین از بافت فرهنگی گسترده‌تری است که روابط زناشویی در آن وجود دارد. سهم و دسترسی طبقات اجتماعی به امکانات تأثیر قابل توجهی در موازنه قدرت زناشویی در جوامعی که در حال گذار از هنجارهای پدرسالارانه^۷ به برابرنگر هستند، دارد.

توزیع قدرت: رئیس و تصمیم‌گیرندهٔ نهایی خانواده. مفهوم رئیس خانواده اصل تعیین‌کننده در نوع روابط زناشویی در یک

و تدبیر مشابهی از روابط مقبول اجتماعی، به قصد انتقال نسل و بقای گروه، تداوم یافته و مؤثر و مفید بوده است. ازدواج در ایران معاصر به‌منزلهٔ یک نهاد مهم به‌قصد تولیدمثل و متعهد شدن برای پیوندی دائمی تعریف شده است. اهمیت فرزندآوری در زندگی زناشویی به‌حدی است که طلاق به شرط نازایی زن یکی از دلایل موجه برای طلاق است. آیا جوانان پایداری پیوند زناشویی را منوط به حفظ و تداوم خاندان خود می‌دانند؟

چندهمسری^۱. یکی از موضوع‌های مورد بررسی پژوهشگران درباب تفاوت‌های بافت فرهنگی و پیشینهٔ تاریخی در انتخاب همسر، پدیدهٔ تک‌همسری^۲ و چندهمسری است. تک همسری که قانوناً تنها شکل رسمی همسرگزینی در اروپا و آمریکای شمالی است، فقط در کمتر از ۲۰ درصد از ۲۳۸ فرهنگ جهانی مرسوم است و چند زنی^۳ در ۸۰ درصد باقی‌مانده معمول است (براد، ۱۹۹۴). مقولهٔ چندهمسری برای مردان در فقه شیعه مجاز است، هرچند فاقد وجهت اجتماعی است. بازخورد جوانان ایرانی به پدیدهٔ چندهمسری مردان در چه جهتی است؟

مذهب همسر. در بافت فرهنگی، پژوهش‌های پیشین بر اهمیت شماری از عوامل و ارزش‌های فرهنگی در انتخاب همسر و رفتار زناشویی تأکید داشته‌اند. برای مثال، باورهای مذهبی عامل بافتی مهمی برای شماری از افراد است. مؤید این واقعیت، اهمیت مذهب شریک مرد برای زنان است که پیش‌بینی‌کننده مهمی برای پاسخ مثبت زن به ازدواج است (میننگ و اسموک، ۲۰۰۲). دینداری همسر برای دختران جوان ایرانی تا چه حد مهم است؟

عشق پیش یا پس از ازدواج. احساسی که عشق رمانتیک نامیده می‌شود، تقریباً به‌گونهٔ فرهنگی جهانی است. در حدود ۸۵ درصد فرهنگ‌ها، دست‌کم شماری از اشخاص احساس "عشق" به دیگری را در برخی زمان از زندگی‌شان گزارش می‌کنند (یانکوویک، ۱۹۹۴). برای بسیاری از امریکایی‌ها و اروپایی‌ها، عشق متقابل به‌منزلهٔ پیش‌شرط ازدواج تلقی می‌شود. بدین معنا، می‌توان گفت که جستجوی همسر آرمانی برای اغلب امریکایی‌ها و اروپایی‌ها، درحکم یافتن دلدار است (کمپل و رایت، ۲۰۱۰). لوین، ساتو، هاشی‌موتو و ورما (۱۹۹۵) در بررسی اهمیت عشق در بنا و دوام ازدواج در ۱۱ فرهنگ، بدین نتیجه رسیدند که ملت‌های

بافت سلسله‌مراتبی است. در ساختار اجتماعی پدرسالارانه، مرد نقش رئیس و سرپرست خانواده را برعهده دارد و تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی است. اما، حتی امروزه، در جوامعی که تمایل به برابرنگری در مسؤولیت‌ها و تصمیم‌گیری است، در جایی که زنان نقش نان‌آور و سرپرست خانواده را دارند لزوماً قدرت بیشتری ندارند (برای نمونه، کیلیتسکایا، ۲۰۰۰). بدین ترتیب، دور از انتظار نیست که اقتدار مردانه و نقش ریاست او در خانواده از سوی جوانان ایرانی هم به رسمیت شناخته شود.

جذابیت جسمانی^۱. در مقوله‌بندی امکانات، فوا و فوا (۱۹۸۰)، اظهار کرده‌اند که هوش و جذابیت جسمانی را می‌توان در زمره امکانات نامحسوس^۲ قدرت در نظر گرفت. جذابیت جسمانی نشانه مهمی در شکل‌گیری اولین برداشت و تمایل به آغاز یک رابطه است که می‌تواند به عشق و ازدواج بینجامد. از دیدگاه جامعه - زیست‌شناختی، جذابیت جسمانی ارزیابی بالقوه ژنتیکی از توان باروری زن و یا جایگاه مرد در سلطه سلسله‌مراتبی به دست می‌دهد. جوانی، باروری یا مردانگی، کم و بیش در تمام فرهنگ‌ها همخوان با جذابیت جسمانی است. و نتایج پژوهش‌های بین‌فرهنگی در تحلیل تفاوت معیارهای دو جنس در انتخاب همسر، متفق‌القولند (برای نمونه، باس، ۱۹۸۹؛ تانزند و واسرمن، ۱۹۹۸) و آن اینکه مردان بیش از زنان به جذابیت جسمانی اهمیت می‌دهند. دیگر اینکه، معیارهای برازندگی، و تناسب‌های اجزای صورت و بدن، و رنگ و قد، و ... کم و بیش در فرهنگ‌ها مختلف بهم نزدیکند (پیزانسکی، فینبرگ، ۲۰۱۳). پس، می‌توان انتظار داشت که بازخورد مردان و زنان ایرانی به جذابیت جسمانی به‌عنوان شاخص انتخاب همسر، همخوان با یافته‌های بین‌فرهنگی متفاوت باشد.

بازخورد جوانان ایرانی بدین موضوع‌ها که بیانگر شماری از ارزش‌های ازدواج است، در چه جهتی است؟ تا چه حد ارزش‌های غیرسستی که مشوق خودپیروی و برابرنگری‌اند، بازخوردهای آنها را تحت‌تأثیر قرار داده است؟ بازخورد بدین مضامین، در بین مردان و زنان، نوجوانان و جوانان، پایتخت‌نشین‌ها با شهرها با جمعیت محدودتر، آیا تفاوت عمده‌ای دارد؟ اگر چنین است دلالت بر چه دارد؟

جمعیت ایران از گروه‌های قومی گوناگونی تشکیل شده است (کرد، ترک، لر، بلوچ، گیلک و مازندرانی). به‌رغم تفاوت‌هایی که

می‌توانند مرتبط باشند با فرهنگ خاص و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی گروه‌های قومی، پاره‌ای الگوهای ازدواج در بین تمام قوم‌های ایرانی مشترک‌اند، که عموماً ناظر بر سنت‌هایی می‌باشند که در جهت حفظ خویشاوندی و شبکه اجتماعی و تضمین مصالح جمعی فرای ترجیحات فردی است (ترابی و بشیری، ۲۰۱۲). اما، درعین‌حال تفاوت قابل‌ملاحظه سطوح توسعه‌یافتگی اجتماعی - اقتصادی در شماری از مناطق ایران (به‌مانند سیستان و بلوچستان و کردستان) با پایتخت (تهران)، منطقی می‌بایست در بازخوردهای سنتی‌تر به ارزش‌های ازدواج جوانان مناطق محروم، و بازخوردهای مبتنی بر ارزش‌های خودپیروتر و برابرنگرتر جوانان پایتخت، منعکس شود.

بررسی‌ها در پایان قرن بیستم نشان می‌دهند که گرچه دو جنس همچنان در ترجیحات همسر^۳ متفاوتند، اما ترجیحات همسر مردان و زنان مشابهت بیشتری یافته است (باس و اسمیت، ۲۰۱۱؛ باس، شکلفورد، کیرکپتریک و لارسن، ۲۰۰۱؛ باکسر، نونن و ولن، ۲۰۱۳؛ چنگ، ونگ، شکلفورد و باس، ۲۰۱۱).

همچنین، یافته‌های پژوهشی مبین آن است که زنان در مقایسه با مردان آمادگی بیشتری برای تغییر بازخوردهای سنتی نشان می‌دهند (حجت و دیگران، ۲۰۰۰؛ دلخوش، ۱۳۸۵؛ نوچوکوو، ۱۹۹۰، ...). دور شدن از مفهوم سنتی زنانگی، امروزه در جوامع صنعتی و برخی کشورهای در حال توسعه، از آرمان‌های زنان به شمار می‌رود. فرصت تحصیلات دانشگاهی، ایفای نقش‌های حرفه‌ای (رجوع به نظریه استقلال اقتصادی زنان؛ برای نمونه، گوگن، ۲۰۰۲)، دیگر خواست‌های ناممکنی برای زنان نیستند و تقلیل محدودیت‌ها در شرایط زندگی، ارزش‌های سنتی را در نزد آنها تضعیف کرده است.

دید برابرنگرانه نیز عمده‌ترین تفاوت ارزشی است که بین زنان و مردان گزارش شده است (برای مرور پژوهش‌ها نگاه کنید به پرنس-گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸). گرایش به سمت برابرنگری در زنان، تحت تأثیر جنبش زنان برای رفع نابرابری جنسیتی، در مطالعات زنان و ادبیات تبعیض جنسیتی، به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

بنابراین، می‌توان پیش‌بینی کرد که بازخورد دختران جوان ایرانی در مقایسه با بازخورد پسران جوان ایرانی نسبت به

چندمرحله‌ای" است. مرحله نخست نمونه‌برداری، مبتنی بر نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌ای است. طبقه‌های در نظر گرفته شده برای طرح نمونه‌برداری عبارتند از: استان (چهار طبقه جمعیتی)، سن (دانش‌آموزی و دانشجویی)، جنس (دختر و پسر)، نوع مؤسسه آموزش عالی (مؤسسات وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری یا وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و مؤسسات وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی)، گروه تحصیلی دانشگاهی (علوم انسانی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، فنی-مهندسی، پزشکی، و هنر)، نوع مؤسسه آموزش متوسطه (دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی)، رشته تحصیلی آموزش متوسطه (رشته‌های ریاضی-فیزیک، علوم تجربی، علوم انسانی، فنی و حرفه‌ای، و کار - دانش)، و پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده دانش‌آموز تهرانی (توزیع مناطق ۱۹ گانه آموزشی در سطح پنج طبقه اقتصادی با شاخص ارزش معاملاتی املاک تهران).

توزیع حجم نمونه به تفکیک مرکز استان، گروه سنی و جنس در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱
توزیع حجم نمونه به تفکیک مرکز استان، گروه سن، و جنس

کلی	مرکز استان				جنس	گروه سن
	سندج	زاهدان	تبریز	تهران		
۶۷۰	۹۶	۹۶	۹۶	۳۸۲	مذکر	دانش‌آموز
۶۷۰	۹۶	۹۶	۹۶	۳۸۲	مؤنث	سوم متوسطه
۶۷۰	۹۶	۹۶	۹۶	۳۸۲	مذکر	دانشجو
۶۷۰	۹۶	۹۶	۹۶	۳۸۲	مؤنث	دانشجو
۲۶۸۰	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۱۵۲۸		کل

است. ماده‌های زمینه‌یاب براساس چهارچوب مفهومی پژوهش انتخاب شده‌اند و ارزش‌های متناظر و اختصاصی قلمرو ازدواج و زندگی زناشویی (۲۶ ماده) و انتخاب همسر (۱۴ ماده) را پوشش می‌دهند: محاط شدگی ۱۵ ماده، خودپیروی عقلی ۸ ماده، خودپیروی عاطفی ۵ ماده، سلسله‌مراتب ۶ ماده، برابرنگری ۶ ماده، جمعاً ۴۰ ماده. از ۶ ماده باقی‌مانده، یک ماده مربوط به بازخورد کلی به ازدواج و ۵ ماده مربوط به بازخورد به همسانی‌ناهمسانی با همسر است.

در جدول ۲ ارزش‌های قلمرو ازدواج و انتخاب همسر در

ارزش‌های ازدواج بیشتر خودپیرو و کمتر محاط‌شده و بیشتر برابرنگر و کمتر سلسله‌مراتبی باشد. دانشجویان در مقایسه با دانش‌آموزان به دلیل تجربه تحصیلی بیشتر، احتمالاً باید واجد گستردگی عقلی و انعطاف‌پذیری بیشتر (خودپیروتر) و وسعت‌نظر و عدالت‌جویی بیشتری (برابرنگرتر) باشند. گزارش از پژوهش‌های بین‌المللی نیز در تأیید چنین برداشتی است (برای مرور پژوهش‌ها نگاه کنید به شوارتز و ساگی، ۲۰۰۰).

پس، می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش سن، بازخورد جوانان ایرانی نسبت به ارزش‌های ازدواج بیشتر خودپیرو و کمتر محاط‌شده و بیشتر برابرنگر و کمتر سلسله‌مراتبی باشد.

روش

جامعه پیمایش حاضر، مجموعه نوجوانان و جوانان دانش‌آموز و دانشجوی ایرانی مشغول به تحصیل در رشته‌های مختلف پایه سوم متوسطه دبیرستان‌ها و شاخه‌های متفاوت دوره کارشناسی و دکترای حرفه‌ای دانشگاهی ایران است.

روش نمونه‌برداری پیمایش "روش نمونه‌برداری

همچنانکه در جدول ۱، قابل مشاهده است. حجم نمونه در سطح شهر تهران ۱۵۲۸ دانش‌آموز و دانشجو، و در سطح چهار مرکز استان (کل نمونه)، ۲۶۸۰ دانش‌آموز و دانشجو است.

برای گردآوری داده‌ها، "زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج" (دلخموش، ۱۳۸۶) به کار گرفته شد. زمینه‌یاب ارزش‌های ازدواج، ملهم از نظریه‌های ارزش‌های فرهنگی و مبتنی بر دو ریخت جامع ارزش‌های فرهنگی (شوارتز و راس، ۱۹۹۵): محاط‌شدگی در برابر خودپیروی: خودپیروی عقلی و خودپیروی عاطفی، و سلسله‌مراتب در برابر برابرنگری) است. زمینه‌یاب در قالب ۴۶ ماده تنظیم شده

ارتباط با ریخت‌های ارزش‌های فرهنگی آورده شده است. پاسخ‌دهندگان در سه بخش نخست زمینه‌یاب، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر ماده، روی مقیاسی ۶ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۶ (کاملاً موافق) درجه‌بندی می‌کنند. نمره‌گذاری زمینه‌یاب برای تعیین سطوح هر یک از ابعاد ارزش‌های ازدواج، با جمع جبری نمره‌گزینه‌های ماده‌ها و تقسیم آن بر تعداد ماده‌های متعلق به یک بعد ارزشی امکان‌پذیر است. بدین‌نحو برای هر بعد

نمره‌ای به دست می‌آید و نمره‌های ابعاد می‌توانند ترسیم دقیقی از سلسله‌مراتب ارزش‌های ازدواج به دست دهند. قابلیت اعتماد زمینه‌یاب به روش آزمون-بازآزمون، در یک نمونه دانشجویی دختر و پسر (به تعداد ۸۷ نفر) در فاصله دو هفته، در دامنه‌ای از متوسط تا بالا قرار دارد. ضرایب به دست آمده عبارتند از: محاط شدگی ۰/۸۴، سلسله‌مراتبی ۰/۸۲، خودپیروی عقلی ۰/۸۱، خودپیروی عاطفی ۰/۷۴، برابرنگری ۰/۶۹.

جدول ۲

ارزش‌های ازدواج و انتخاب همسر مرتبط با ریخت‌های ارزش‌های فرهنگی

ریخت ارزش‌های فرهنگی	ارزش‌های اختصاصی قلمرو ازدواج و زندگی زناشویی	انتخاب همسر
محاط‌شدگی	پیوستگی به والدین پس از ازدواج - پایداری زندگی زناشویی - قانع بودن در زندگی زناشویی - ضرورت ازدواج - داشتن فرزند - پایبندی به آداب و رسوم ازدواج - پیروی از همسر - خودداری از روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج - تبعیت از والدین در انتخاب همسر - ایفای نقش‌های سنتی زناشویی - عشق پس از ازدواج به جای عشق اولیه	قانع‌مؤمن-همشهری-خویشاوند
خودپیروی عقلانی	هویت‌یافتگی پیش از ازدواج - شناخت کافی از همسر پیش از ازدواج - استقلال زوجین از والدین‌شان - انتخاب همسر بر اساس میل شخصی* - استقلال شخصی زوجین در زندگی زناشویی - پذیرش طلاق*	هوشمند - نواندیش
خودپیروی عاطفی	زندگی زناشویی سرشار از لذت - برقراری روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج - عشق مهم‌ترین اصل زندگی زناشویی*	هیجان‌برانگیز - جذاب
سلسله‌مراتب	ثروت در زندگی زناشویی - تصمیم‌گیرنده نهایی در زندگی زناشویی - مرد رهبر خانواده*	قدرتمند - طبقه اقتصادی بالا - تحصیلات بالا*
برابرنگری	مشارکت مهم‌ترین اصل زندگی زناشویی - ممنوعیت چند همسری برای مردان - برابری زوجین	صادق و وفادار - مسؤولیت‌پذیر - حمایت‌گر و مهربان

* ارزش‌هایی که در ریخت مورد انتظار قرار نگرفته‌اند.

در پاسخ به ماده‌های زمینه‌یاب، از آزمون‌های نامتریک بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

جدول‌هایی که در پی می‌آیند، بازخورد جوانان به موضوع‌های مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی (جدول‌های ۳ تا ۲۹) و معیارهای انتخاب همسر (۱۴ ملاک، جدول‌های ۳۰ و ۳۱) و تفاوت این بازخورد در سطح زیرگروه‌ها را منعکس می‌کنند. داده‌های جدول تلخیص (درصد و سطح معناداری) و دامنه‌گزینه‌ها تجمیع (۶ درجه‌ای به ۳ درجه‌ای) شده‌اند.

اعتباریابی نهایی در باب محتوا و ساختار روابط میان ارزش‌های ازدواج، بر اساس "تحلیل کوچکترین فضا" (SSA)؛ که از جمله فنون "مقیاس‌سازی چندبُعدی" (MDS) نامتریک برای تحلیل ساختاری داده‌های واجد مشابهت است (برای آشنایی با زیربنای نظری فن تحلیل کوچکترین فضا، ر. ک. دلخمش، ۱۳۸۴) صورت گرفته و ساختار فرضی روابط میان ارزش‌ها تأیید شده است: پنج ریخت در نواحی متمایز آشکار شده‌اند و روابط تعارضی آنها تأیید گردیده‌اند (دلخمش، ۱۳۸۶).

در این گزارش از یافته‌های پیمایش، برای مقایسه گروه‌ها جدول ۳

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱ زمینه‌یاب (برای من مهم است که به هر شکل ممکن، زندگی زناشویی خود را حفظ کنم. من معتقدم که زندگی زناشویی یک تعهد مادام‌العمر است.)

بازخورد	مرکز استان			گروه سنی		جنس	
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز
مخالف	۱۲/۰	۱۳/۶	۹/۹	۵/۹	۱۴/۱	۱۶/۸	۷/۳
بینابین	۲۴/۵	۲۸/۵	۲۱/۱	۱۸/۵	۱۸/۳	۲۹/۸	۱۹/۱
موافق	۶۳/۵	۵۷/۹	۶۹/۰	۷۵/۶	۶۷/۶	۵۳/۴	۷۳/۶
آماره	۸۲/۴۳۴**			۱۳۹/۵۸۷**		۴۹/۸۳۱**	

** P < ۰.۰۰۱

جدول ۴

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲ زمینه‌یاب (برای من مهم است که زن و شوهر، تحت هر شرایطی برابر باشند. من معتقدم که زن و شوهر باید در تمام امور زندگی زناشویی نقش‌های مساوی داشته باشند).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۹/۴	۹/۹	۸/۰	۴/۷	۱۳/۸	۱۱/۳	۷/۷	۵/۲	۱۳/۷
بینابین	۲۷/۹	۲۷/۳	۲۸/۹	۲۸/۳	۲۸/۶	۳۱/۶	۲۴/۰	۲۳/۴	۳۲/۳
موافق	۶۲/۷	۶۲/۸	۶۳/۱	۶۷/۰	۵۷/۶	۵۷/۱	۶۸/۳	۷۱/۴	۵۴/۰
آماره			۷۰/۷۷۵**				۴۰/۱۲۰**		۱۴۰/۷۶۸**

**P<۰/۰۰۰۱

جدول ۵

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۳ زمینه‌یاب (برای من مهم است که زندگی زناشویی مرفه‌ی داشته باشم. من معتقدم که ثروت، یکی از مهمترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی است).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۱۳/۰	۱۰/۶	۱۵/۹	۱۷/۲	۱۴/۸	۱۰/۷	۱۵/۱	۱۵/۴	۱۰/۵
بینابین	۵۰/۵	۴۸/۳	۵۶/۳	۵۲/۵	۵۲/۹	۴۹/۳	۵۲/۱	۵۶/۵	۴۴/۷
موافق	۳۶/۵	۴۱/۱	۲۷/۸	۳۰/۳	۳۲/۳	۴۰/۰	۳۲/۸	۲۸/۱	۴۴/۸
آماره			۶۰/۰۱۰**				۲۳/۸۵۰**		۱۰۳/۶۸۲**

**P<۰/۰۰۰۱

جدول ۶

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۴ زمینه‌یاب (برای من مهم است که استقلال شخصی خود را در زندگی زناشویی حفظ کنم. من معتقدم که زن و شوهر می‌توانند دوستان و تفریح‌های جداگانه برای خود داشته باشند).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۲۹/۰	۲۴/۸	۴۳/۲	۳۴/۲	۲۶/۸	۲۲/۷	۳۵/۴	۲۹/۰	۲۹/۱
بینابین	۴۳/۷	۴۶/۷	۳۶/۰	۴۲/۹	۴۰/۴	۴۷/۱	۴۰/۲	۴۲/۷	۴۴/۸
موافق	۲۷/۳	۲۸/۵	۲۰/۸	۲۲/۹	۳۲/۸	۳۰/۲	۲۴/۴	۲۸/۳	۲۶/۱
آماره			۷۶/۰۹۳**				۶۷/۲۰۴**		۴/۶۹۴

**P<۰/۰۰۰۱

جدول ۷

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۵ زمینه‌یاب (برای من مهم است که زندگی زناشویی‌ام سرشار از لذت و تفریح باشد. من معتقدم که ازدواجی خوب و مناسب است که فرصت‌های بهره‌مندی از لذت‌های زندگی را افزایش دهد).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۱/۸	۱/۷	۲/۸	۱/۶	۱/۶	۱/۱	۲/۴	۲/۲	۱/۳
بینابین	۲۲/۸	۲۲/۲	۲۴/۸	۲۰/۸	۲۴/۷	۲۲/۸	۲۲/۷	۲۴/۰	۲۱/۶
موافق	۷۵/۴	۷۶/۱	۷۲/۴	۷۷/۶	۷۳/۷	۷۶/۱	۷۴/۹	۷۳/۸	۷۷/۱
آماره			۱۳/۴۶۵				۹/۶۰۱		۶/۱۷۷

جدول ۸

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۶ زمینه‌یاب (برای من مهم است که آداب و رسوم ازدواج را به‌جا آورم. من معتقدم که پای‌بندی به سنت‌های ازدواج، در پایداری زندگی زناشویی مؤثر است).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۱۶/۱	۱۸/۹	۱۱/۸	۷/۳	۱۸/۳	۲۱/۰	۱۱/۳	۱۲/۲	۲۰/۰
بینابین	۳۸/۶	۳۹/۶	۴۰/۸	۳۲/۸	۳۸/۰	۴۳/۹	۳۳/۲	۴۰/۷	۳۶/۵
موافق	۴۵/۳	۴۱/۵	۴۷/۴	۵۹/۹	۴۳/۷	۳۵/۱	۵۵/۵	۴۷/۱	۴۳/۵
آماره			۸۶/۰۷۸**				۱۴۳/۵۴۴**		۳۹/۵۳۷**

**P<۰/۰۰۰۱

جدول ۹

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۷ زمینه‌یاب (برای من مهم است که با شخصی که خودم انتخاب کرده‌ام و مورد علاقه من است، ازدواج کنم؛ حتی اگر این انتخاب مورد موافقت والدینم قرار نگیرد).

بازخورد	مرکز استان							کل
	گروه سنی		سنندج		زاهدان		تهران	
جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	تبریز	زاهدان	تهران	کل
مخالف	۲۲/۵	۱۰/۱	۱۲/۹	۱۹/۸	۲۲/۹	۱۷/۲	۱۴/۵	۱۶/۳
بینابین	۴۷/۲	۳۷/۰	۴۴/۷	۳۹/۵	۴۷/۴	۳۸/۵	۴۲/۳	۴۲/۱
موافق	۳۰/۳	۵۲/۹	۴۲/۴	۴۰/۷	۲۹/۷	۴۴/۳	۴۳/۲	۴۱/۲
آماره	۱۷۰/۸۵۴**		۳۹/۰۸۷**		۵۶/۰۹۹**			

** P<./۰۰۰۱

جدول ۱۰

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۸ زمینه‌یاب (برای من مهم است که صاحب فرزند شوم. من معتقدم که زندگی زناشویی بدون فرزند، ناقص است).

بازخورد	مرکز استان							کل
	گروه سنی		سنندج		زاهدان		تهران	
جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	تبریز	زاهدان	تهران	کل
مخالف	۱۷/۶	۱۴/۴	۱۷/۵	۱۴/۳	۱۳/۶	۱۲/۳	۱۶/۰	۱۵/۹
بینابین	۳۷/۳	۳۰/۳	۳۷/۰	۳۰/۸	۳۳/۰	۲۹/۴	۳۶/۰	۳۳/۹
موافق	۴۵/۱	۵۵/۳	۴۵/۵	۵۴/۹	۵۳/۴	۵۸/۳	۴۸/۰	۵۰/۲
آماره	۳۲/۷۸۲**		۳۶/۹۵۰**		۴۷/۰۷۴**			

** P<./۰۰۰۱

جدول ۱۱

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۹ زمینه‌یاب (طلاق را یک امر محتمل می‌دانم و برای آن آماده‌ام. من می‌پذیرم که هر فردی در طول زندگی تغییر می‌کند و ممکن است به دلیل امیال و افکار جدید، از ادامه زندگی زناشویی خود منصرف شود).

بازخورد	مرکز استان							کل
	گروه سنی		سنندج		زاهدان		تهران	
جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	تبریز	زاهدان	تهران	کل
مخالف	۴۳/۷	۳۶/۴	۳۰/۶	۴۹/۵	۴۶/۶	۴۵/۳	۳۶/۲	۴۰/۰
بینابین	۳۶/۱	۳۹/۵	۴۰/۷	۳۵/۰	۳۵/۹	۳۸/۳	۳۹/۱	۳۷/۹
موافق	۲۰/۲	۲۴/۱	۲۸/۷	۱۵/۵	۱۷/۵	۱۶/۴	۲۴/۷	۲۲/۱
آماره	۱۷/۶۱۳*		۱۵۵/۰۵۶**		۴۲/۹۰۱**			

* P<./۰۰۱ ** P<./۰۰۰۱

جدول ۱۲

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۰ زمینه‌یاب (برای من مهم است که روابط نزدیک با خانواده‌ام را همچنان حفظ کنم. من مایلیم که پیوستگی با والدین خود را، به مانند شرایط پیش از ازدواج، در زندگی زناشویی ادامه دهیم).

بازخورد	مرکز استان							کل
	گروه سنی		سنندج		زاهدان		تهران	
جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	تبریز	زاهدان	تهران	کل
مخالف	۵/۵	۳/۸	۵/۳	۴/۱	۶/۸	۳/۹	۳/۸	۴/۷
بینابین	۳۲/۶	۲۶/۶	۳۳/۶	۲۵/۴	۲۸/۳	۲۴/۸	۳۰/۶	۲۹/۶
موافق	۶۱/۹	۶۹/۶	۶۱/۰	۷۰/۵	۶۴/۹	۷۱/۳	۶۵/۶	۶۵/۷
آماره	۱۹/۴۹۰*		۴۲/۱۷۰**		۳۸/۵۵۳**			

* P<./۰۰۱ ** P<./۰۰۰۱

جدول ۱۳

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۱ زمینه‌یاب (برای من مهم است که عهده‌دار تعیین وظایف خود و همسرم باشم. من مایلیم تصمیم‌گیری نهایی در مورد مسائل زندگی زناشویی بر عهده من باشد).

بازخورد	مرکز استان							کل
	گروه سنی		سنندج		زاهدان		تهران	
جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	تبریز	زاهدان	تهران	کل
مخالف	۲۵/۸	۱۱/۳	۱۸/۴	۱۸/۸	۲۰/۸	۱۹/۰	۱۷/۰	۱۸/۵
بینابین	۵۶/۵	۴۱/۵	۴۹/۷	۴۸/۱	۵۳/۷	۴۶/۶	۵۰/۰	۴۹/۰
موافق	۱۷/۷	۴۷/۲	۳۱/۹	۳۳/۱	۲۵/۵	۳۴/۴	۲۳/۰	۳۲/۵
آماره	۳۲۲/۵۱۱**		۱۵/۸۵۲*		۳۸/۶۸۴**			

* P<./۰۰۱ ** P<./۰۰۰۱

جدول ۱۴

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۲ زمینه‌یاب (برای من مهم است که تحت هیچ شرایطی همسر من ناراحت نشود. در صورت بروز اختلاف، حاضرم برای جلوگیری از ناراحتی همسر، از او پیروی کنم.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران
مخالف		۲۱/۶	۱۶/۵	۲۲/۴	۱۵/۸	۲۰/۸	۱۴/۴	۱۳/۵	۲۱/۲
بینابین		۴۵/۲	۴۶/۰	۵۰/۶	۴۰/۶	۴۴/۶	۴۱/۱	۴۲/۸	۴۷/۸
موافق		۳۳/۲	۳۷/۴	۲۷/۰	۴۳/۶	۳۴/۶	۴۴/۵	۴۳/۷	۳۱/۰
آماره			۱۲/۷۷۵		۱۰۲/۳۴۱**			۹۴/۶۸۳**	

** P<./...۱

جدول ۱۵

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۳ زمینه‌یاب (به شرایط موجود قانع خواهیم بود؛ حتی اگر کاملاً مطابق میل من نباشد. برای من مهم است که به دنبال خواست‌هایی نباشم که ممکن است زندگی زناشویی مرا برهم زند.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران
مخالف		۱۲/۹	۱۲/۳	۱۲/۹	۱۲/۳	۱۲/۵	۹/۴	۵/۵	۱۵/۳
بینابین		۳۶/۱	۳۳/۹	۳۹/۶	۳۰/۲	۳۳/۳	۲۷/۶	۲۸/۶	۳۸/۷
موافق		۵۱/۰	۵۳/۸	۴۷/۵	۵۷/۵	۵۴/۲	۶۳/۰	۶۵/۹	۴۶/۰
آماره			۱۱/۲۹۲		۴۷/۷۸۲**			۱۱۵/۹۸۰**	

** P<./...۱

جدول ۱۶

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۴ زمینه‌یاب (آماده‌ام و مایلم که به زودی ازدواج کنم.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران
مخالف		۴۱/۵	۴۷/۹	۳۷/۹	۵۱/۵	۴۳/۵	۳۶/۲	۴۸/۴	۴۶/۲
بینابین		۳۷/۰	۳۴/۰	۳۸/۰	۳۳/۰	۳۱/۵	۳۸/۳	۳۵/۴	۳۵/۹
موافق		۲۱/۵	۱۸/۱	۲۴/۱	۱۵/۵	۲۵/۰	۲۵/۵	۱۶/۲	۱۷/۹
آماره			۱۹/۷۳۰**		۵۹/۴۳۴**			۵۰/۶۳۸**	

** P<./...۱

جدول ۱۷

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۵ زمینه‌یاب (حتی اگر اکنون آماده نباشم، اما این تصور که ممکن است هیچ‌گاه ازدواج نکنم، برای من ناگوار است. برای من مهم است که حتماً روزی ازدواج کنم.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران
مخالف		۱۸/۹	۱۵/۵	۲۰/۶	۱۳/۷	۱۴/۹	۱۱/۲	۱۵/۹	۱۹/۶
بینابین		۳۳/۱	۲۴/۵	۲۸/۸	۲۸/۹	۲۵/۲	۲۶/۸	۲۹/۰	۳۰/۳
موافق		۴۸/۰	۶۰/۰	۵۰/۶	۵۷/۴	۵۹/۹	۶۲/۰	۵۵/۱	۵۰/۱
آماره			۵۱/۶۳۲**		۲۴/۴۲۳**			۴۹/۱۹۴**	

** P<./...۱

جدول ۱۸

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۶ زمینه‌یاب (مرد باید سرپرست اصلی خانواده باشد. برای من مهم است که مرد رهبری خانواده را بر عهده داشته باشد.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	جنس	زن	مرد	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران
مخالف		۱۱/۸	۴/۳	۸/۷	۷/۴	۷/۵	۵/۲	۴/۹	۹/۶
بینابین		۳۵/۶	۲۲/۹	۳۲/۷	۲۵/۸	۲۷/۹	۲۵/۶	۲۵/۹	۳۱/۴
موافق		۵۲/۶	۷۲/۹	۵۸/۶	۶۶/۸	۶۴/۶	۶۹/۲	۶۹/۲	۵۹/۰
آماره			۱۴۵/۵۲۰**		۳۵/۲۸۶**			۴۸/۷۲۲**	

** P<./...۱

جدول ۱۹

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۷ زمینه‌یاب («عشق» مهمترین اصل است. من معتقدم که عشق برای زندگی زناشویی ضروری است).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۱/۷	۲/۲	۱/۸	۰/۶	۰/۸	۲/۱	۱/۳	۱/۰	۲/۳
بینابین	۱۵/۴	۱۷/۱	۱۰/۲	۱۱/۲	۱۸/۲	۱۹/۷	۱۱/۲	۱۵/۸	۱۵/۰
موافق	۸۲/۹	۸۰/۷	۸۸/۰	۸۸/۲	۸۱/۰	۷۸/۲	۸۷/۵	۹۳/۲	۸۲/۷
آماره			۴۰/۱۱۰**				۶۰/۴۱۴**		۱۵/۳۴۹*

* P<۰/۰۰۱ ** P<۰/۰۰۰۱

جدول ۲۰

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۸ زمینه‌یاب (آمدام با کسی که والدینم مناسب می‌دانند، ازدواج کنم. برای من تبعیت از نظر والدینم در انتخاب همسر آینده‌ام ضروری است).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۲۲/۳	۲۶/۰	۱۴/۰	۱۷/۰	۲۱/۴	۲۶/۲	۱۸/۳	۱۹/۸	۲۴/۸
بینابین	۵۲/۲	۵۳/۹	۴۹/۰	۴۷/۹	۵۳/۳	۵۴/۲	۵۰/۴	۵۲/۵	۵۱/۹
موافق	۲۵/۵	۲۰/۱	۳۷/۰	۳۵/۱	۲۵/۳	۱۹/۶	۳۱/۳	۲۷/۷	۲۳/۳
آماره			۱۰۵/۳۸۲**				۸۸/۶۵۷**		۱۸/۲۰۰*

* P<۰/۰۰۱ ** P<۰/۰۰۰۱

جدول ۲۱

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۱۹ زمینه‌یاب (لازم است که فرصت برقراری روابط با جنس مخالف فراهم باشد. برای من مهم است که پیش از ازدواج، بی‌آنکه فرد خاصی برای ازدواج در مد نظرم باشد، احساس و عواطف خود را نسبت به جنس مخالف تجربه کنم).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف	۲۹/۶	۲۵/۰	۳۵/۱	۳۷/۲	۳۴/۳	۲۳/۶	۳۵/۵	۳۷/۴	۲۱/۸
بینابین	۳۴/۳	۳۳/۱	۳۸/۰	۳۷/۶	۳۲/۹	۳۷/۷	۳۱/۱	۳۵/۹	۳۲/۸
موافق	۳۶/۱	۴۱/۹	۲۶/۹	۲۵/۲	۳۲/۸	۳۸/۷	۳۳/۴	۲۶/۷	۴۵/۴
آماره			۸۹/۵۱۰**				۵۲/۲۰۱**		۱۴۹/۷۰۶**

** P<۰/۰۰۰۱

جدول ۲۲

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۰ زمینه‌یاب (مشارکت و تفاهم مهمترین اصل است. من معتقدم که احترام متقابل، کمک به یکدیگر و علائق مشترک زن و شوهر، از مهمترین عوامل موفقیت در زندگی زناشویی است).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف
بینابین	۷/۱	۷/۸	۱/۳	۴/۷	۱۲/۷	۷/۳	۶/۹	۵/۰	۹/۳
موافق	۹۲/۹	۹۲/۲	۹۸/۷	۹۵/۳	۸۷/۳	۹۲/۷	۹۳/۱	۹۵/۰	۹۰/۷
آماره			۶۴/۷۰۳**				۲۲/۶۸۹**		۱۰۳/۹۷۹**

** P<۰/۰۰۰۱

جدول ۲۳

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۱ زمینه‌یاب (لازم است که به شخصیت مستحکمی دست یابم. برای من مهم است که پیش از ازدواج با کسب تجربیات به درک کاملتری از خودم نائل شوم).

بازخورد	مرکز استان				گروه سنی		جنس		
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز	زن	مرد
مخالف
بینابین	۱۱/۶	۱۰/۲	۷/۰	۱۲/۰	۲۱/۱	۱۰/۳	۱۲/۷	۸/۶	۱۴/۵
موافق	۸۸/۴	۸۹/۸	۹۳/۰	۸۸/۰	۷۸/۹	۸۹/۷	۸۷/۳	۹۱/۴	۸۵/۵
آماره			۵۱/۱۹۱**				۱۱/۵۶۵*		۴۲/۷۵۱**

* P<۰/۰۰۱ ** P<۰/۰۰۰۱

جدول ۲۴

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۲ زمینه‌یاب (لازم می‌دانم) که از روابط پیش از ازدواج با جنس مخالف خودداری کنم. من معتقدم که این‌گونه روابط، به معنای تسلیم‌شدن به وسوسه‌های لذت‌جویانه است.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	مرد	زن	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران	کل
مخالف	۳۴/۲	۲۴/۸	۳۳/۲	۲۵/۹	۲۶/۲	۱۶/۶	۲۰/۲	۳۵/۹	۲۹/۵
بینابین	۳۱/۸	۳۰/۲	۳۳/۹	۲۸/۱	۲۹/۲	۳۰/۵	۳۲/۹	۳۱/۲	۳۱/۰
موافق	۳۴/۰	۴۵/۰	۳۲/۹	۴۶/۰	۴۴/۶	۵۲/۹	۴۶/۹	۳۲/۹	۳۹/۵
آماره	۴۷/۰۴۷**		۵۷/۷۴۲**		۱۰۵/۶۲۲**				

** P<./۰۰۰۱

جدول ۲۵

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۳ زمینه‌یاب (قوانین در مورد چندهمسری مردان باید اصلاح شود. چندهمسری برای مردان تحت هر شرایطی باید ممنوع گردد.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	مرد	زن	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران	کل
مخالف	۱۲/۰	۰/۸	۷/۹	۵/۰	۸/۶	۶/۳	۳/۶	۶/۶	۶/۴
بینابین	۳۴/۹	۱۳/۲	۲۵/۲	۲۲/۸	۲۷/۶	۲۳/۹	۲۳/۲	۲۳/۳	۲۴/۰
موافق	۵۳/۱	۸۶/۰	۶۶/۹	۷۲/۲	۶۳/۸	۶۹/۸	۷۳/۲	۷۰/۱	۶۹/۶
آماره	۴۴۸/۳۴۱**		۲۰/۷۲۰**		۴۳/۷۹۵**				

** P<./۰۰۰۱

جدول ۲۶

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۴ زمینه‌یاب (زن و شوهر باید نقش‌های سنتی خود را ایفا کنند. برای من مهم است که مردان نان‌آور خانواده باشند و زنان کدبانوگری کنند.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	مرد	زن	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران	کل
مخالف	۲۱/۶	۴۰/۷	۳۷/۴	۲۴/۹	۲۸/۷	۲۶/۵	۲۴/۰	۳۴/۸	۳۱/۲
بینابین	۳۹/۶	۳۹/۰	۴۲/۲	۳۶/۶	۳۸/۸	۳۸/۶	۳۹/۳	۳۹/۶	۳۹/۳
موافق	۳۸/۸	۲۰/۳	۲۰/۴	۳۸/۵	۳۲/۵	۳۴/۹	۳۶/۷	۲۵/۶	۲۹/۵
آماره	۱۷۷/۸۹۶**		۱۳۷/۰۸۳**		۶۸/۰۸۶**				

** P<./۰۰۰۱

جدول ۲۷

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۵ زمینه‌یاب (استقلال زن و شوهر از والدینشان یک امر ضروری و مهم است. من معتقدم که زن و شوهر نباید تحت نفوذ خانواده‌های خود قرار گیرند.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	مرد	زن	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران	کل
مخالف	۳/۸	۳/۶	۳/۷	۳/۶	۵/۷	۴/۹	۳/۶	۳/۱	۳/۷
بینابین	۲۹/۹	۲۰/۰	۲۵/۹	۲۴/۱	۳۷/۵	۲۵/۳	۲۵/۳	۲۱/۸	۲۵/۰
موافق	۶۶/۳	۷۶/۴	۷۰/۴	۷۲/۳	۵۶/۸	۷۰/۸	۷۱/۱	۷۵/۱	۷۱/۳
آماره	۶۳/۶۹۲**		۳/۵۶۷		۹۰/۳۶۶**				

** P<./۰۰۰۱

جدول ۲۸

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۶ زمینه‌یاب (لازم است فردی را که برای ازدواج انتخاب می‌کنم به خوبی بشناسم. من تا زمانی که به شناخت کافی نرسم، ازدواج نخواهم کرد.)

بازخورد	مرکز استان							کل	
	گروه سنی		مرکز استان		مرکز استان				
	مرد	زن	دانشجو	دانش آموز	سنندج	زاهدان	تبریز	تهران	کل
مخالف	۰/۶	۰/۹	۰/۹	۰/۷	۱/۰	۱/۰	۰/۳	۰/۹	۰/۸
بینابین	۱۳/۳	۱۳/۲	۱۵/۴	۱۱/۱	۱۵/۹	۱۱/۵	۱۲/۷	۱۳/۱	۱۳/۳
موافق	۸۶/۰	۸۵/۸	۸۳/۷	۸۸/۲	۸۳/۱	۸۷/۵	۸۷/۰	۸۶/۰	۸۵/۹
آماره	۳/۰۰۶		۳۱/۶۶۰**		۱۲/۲۴۲				

** P<./۰۰۰۱

جدول ۲۹

درصد و تفاوت بازخورد زیرگروه‌ها به ماده ۲۷ زمینه‌یاب (اعتقادی به عشق و شناخت پیش از ازدواج ندارم. عشق، علاقه، تفاهم و شناخت، پس از ازدواج و با گذشت زمان، بین زن و شوهر شکل خواهد گرفت.)

بازخورد	مرکز استان			گروه سنی		جنس	
	کل	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	دانشجو	دانش آموز
مخالف	۵۳/۰	۵۶/۷	۵۰/۵	۴۶/۹	۴۶/۶	۵۶/۶	۴۹/۲
بینابین	۳۱/۷	۳۰/۶	۳۴/۶	۳۴/۶	۳۰/۵	۳۰/۷	۳۲/۹
موافق	۱۵/۳	۱۲/۷	۱۴/۹	۱۸/۵	۲۲/۹	۱۲/۷	۱۷/۹
آماره			۵۰/۵۲۳**			۳۵/۸۴۳**	

** P<./۰۰۰۱

جدول ۳۰

ترتیب، میانگین‌ها و انحراف استانداردهای نمره‌های گروه نمونه در ارزش‌های ازدواج (انتخاب همسر)

ترتیب	ارزش	آماره		ترتیب	ارزش	آماره	
		SD	M			SD	M
۱	صادق و وفادار	۰/۴۱	۵/۸۴	۸	جذاب	۱/۱۷	۴/۸۰
۲	مسئولیت پذیر	۰/۴۷	۵/۷۹	۹	تحصیلات بالا	۱/۱۴	۴/۶۷
۳	حمایت‌گر و مهربان	۰/۶۲	۵/۶۷	۱۰	نواندیش	۱/۲۶	۴/۴۰
۴	هوشمند	۰/۹۳	۵/۳۴	۱۱	قدرتمند	۱/۴۳	۴/۳۲
۵	قانع	۱/۲۲	۵/۰۴	۱۲	همشهری	۱/۶۸	۳/۸۰
۶	هیجان برانگیز	۱/۰۷	۴/۹۴	۱۳	طبقه اقتصادی بالا	۱/۲۹	۳/۷۰
۷	مؤمن	۱/۳۶	۴/۸۲	۱۴	خویشاوند	۱/۵۳	۲/۵۴

جدول ۳۱

ترتیب و مقایسه میانگین‌های نمره‌های زیرگروه‌ها در ارزش‌های ازدواج (انتخاب همسر)

ارزش	استان			گروه سنی		جنس	
	تهران	تبریز	زاهدان	سنندج	آماره	دانشجو	دانش آموز
صادق و وفادار	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
مسئولیت پذیر	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
حمایت‌گر و مهربان	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
هوشمند	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
قانع	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
هیجان برانگیز	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
مؤمن	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
جذاب	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
تحصیلات بالا	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
نواندیش	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
قدرتمند	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
همشهری	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
طبقه اقتصادی بالا	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
خویشاوند	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴

** P<./۰۰۰۱ * P<./۰۰۱

مخالف: ۲۱٪، (هویت‌یافتگی پیش از ازدواج، بعد خودپیروی عقلی) (موافق: ۸۸/۴٪ - مخالف: ۱۱/۶٪)، ۲۶ (شناخت کافی از همسر پیش از ازدواج، بعد خودپیروی عقلی) (موافق: ۸۵/۹٪ - مخالف: ۱۴/۱٪)، ۱۷ (عشق مهم‌ترین اصل زندگی زناشویی، بعد خودپیروی عاطفی) (موافق: ۸۲/۹٪ - مخالف: ۱۷/۱٪)، ۵

در تمرکز بر نتایج مندرج در جدول‌ها، نخست، در رجوع به نتایج کل گروه، به بالاترین میزان موافقت و مخالفت جوانان با ماده‌های پرسشنامه اشاره می‌شود. بالاترین میزان موافقت: ماده‌های ۲۰ (مشارکت مهم‌ترین اصل زندگی زناشویی، بعد برابری) (موافق: ۹۲/۹٪ -

(ماده‌های ۵ و ۲۶)، در سایر ماده‌ها بین جوانان مراکز استان‌ها در سطح $P < 0/0001$ تفاوت معنادار مشاهده می‌شود. بالاترین تفاوت‌های معنادار مربوط به ماده‌های ۱۳، ۲۲ و ۱۸ است که هر سه از ارزش‌های بعد محاط‌شدگی است. در هر سه ماده "قانع بودن در زندگی زناشویی"، "خودداری از روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج"، و "تبعیت از والدین در انتخاب همسر"، جوانان تهرانی نسبت به ارزش‌های ازدواج، موضعی غیرسنتی‌تر از سایر جوانان دیگر مرکز (زاهدان و تبریز) دارند. در مقایسه دو گروه سنی، به استثنای دو ماده (ماده‌های ۵ و ۲۵)، در سایر ماده‌ها بین جوانان و نوجوانان در سطح $P < 0/0001$ (۲۳ ماده) و $P < 0/001$ (۲ ماده) تفاوت معنادار مشاهده می‌شود. بالاترین تفاوت‌های معنادار مربوط به ماده‌های ۹، ۶، ۱، ۲۴ و ۱۲ است که هر ۵ ماده از ارزش‌های بعد محاط‌شدگی است. در هر ۵ ماده "پذیرش طلاق"، "پای‌بندی به آداب و رسوم ازدواج"، "پایداری زندگی زناشویی"، "ایفای نقش‌های سنتی زناشویی"، و "پیروی از همسر"، جوانان نسبت به ارزش‌های ازدواج، موضعی غیرسنتی‌تر از نوجوانان دارند.

و در مقایسه زنان و مردان، نتایج نشان می‌دهند که، زنان و مردان در بازخوردهای نسبت به ارزش‌های زناشویی در ۵ ماده ۲۶، ۴، ۵، ۱۳، و ۱۲، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. در ۴ ماده (۱۷، ۹، ۱۸ و ۱۰) بین زنان و مردان در سطح $P < 0/0001$ ، تفاوت معنادار مشاهده می‌شود. در ۱۸ ماده باقی‌مانده که تفاوت معنادار بین دو جنس در سطح $P < 0/0001$ می‌باشد، عمده‌ترین تفاوت‌ها در ماده‌های ۲۳ (ممنوعیت چند همسری برای مردان) (نظر موافق: زنان: ۸۶٪ - مردان: ۵۳/۱٪)، ۱۱ (تصمیم‌گیری نهایی) (نظر موافق: زنان: ۱۷/۷٪ - مردان: ۴۷/۲٪)، ۲۴ (ایفای نقش‌های سنتی زناشویی) (نظر موافق: زنان: ۲۰/۳٪ - مردان: ۳۸/۸٪)، ۷ (انتخاب همسر بر اساس میل شخصی) (نظر موافق: زنان: ۳۰/۳٪ - مردان: ۵۲/۹٪)، ۱۹ (برقراری رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج) (نظر موافق: زنان: ۲۶/۷٪ - مردان: ۴۵/۴٪)، ۱۶ (مرد سرپرست خانواده) (نظر موافق: زنان: ۵۲/۶٪ - مردان: ۷۲/۹٪)، ۲ (برابری زوجین) (نظر موافق: زنان: ۷۱/۴٪ -

زندگی زناشویی سرشار از لذت، بعد خودپیروی عاطفی) (موافق: ۷۵/۴٪ - مخالف: ۱/۸٪)، ۲۵ (استقلال زوجین از والدینشان در زندگی شخصی، بعد خودپیروی عقلانی) (موافق: ۷۱/۳٪ - مخالف: ۳/۷٪)، ۲۳ (ممنوعیت چندهمسری، بعد برابرنگری) (موافق: ۶۹/۶٪ - مخالف: ۶/۴٪).

بالاترین میزان مخالفت: ماده‌های ۲۷ (عشق پس از ازدواج به جای عشق اولیه: بعد محاط‌شدگی) (مخالف: ۵۳٪ - موافق: ۱۵/۳٪)، ۱۴ (آمدگی برای ازدواج، بازخورد کلی به ازدواج) (مخالف: ۴۴/۷٪ - موافق: ۱۹/۸٪)، ۹ (پذیرش طلاق، بعد خودپیروی) (مخالف: ۴۰٪ - موافق: ۲۲/۱٪).

درصد بالای پاسخ‌های بینابین نیز واجد اهمیت برای تفسیر بازخوردها هستند. بالاترین پاسخ‌های بینابین: ماده‌های ۱۸ (تبعیت از نظر والدین در انتخاب همسر، بعد محاط‌شدگی) (۵۲/۲٪)، ۳ (ثروت در زندگی زناشویی، بعد سلسله‌مراتبی) (۵۰/۵٪)، ۱۱ (تصمیم‌گیرنده نهایی، بعد سلسله‌مراتبی) (۴۹٪)، ۱۲ (پیروی از همسر، بعد محاط‌شدگی) (۴۵/۶٪)، ۴ (استقلال شخصی زوجین، بعد خودپیروی) (۴۳/۷٪)، ۷ (انتخاب همسر بر اساس میل شخصی، خودپیروی) (۴۲/۱٪).

همچنین توجه به نتایج ماده‌هایی که در مجموعه ماده‌های بالا ذکر نشده‌اند، اما از موضوع‌های مهم بازخورد به ازدواج محسوب می‌شوند، لازم است. با ضرورت "داشتن فرزند" (ماده ۸) فقط ۱۵/۹٪ مخالفت شده است. با "مرد سرپرست خانواده" (ماده ۱۶) میزان مخالفت ۸٪ است. درجه مخالفت با "پیوستگی به والدین" همچون پیش از ازدواج (ماده ۱۰) ۴/۷٪ است. با "پای‌بندی به آداب و رسوم ازدواج" (ماده ۶) فقط ۱۶/۱٪ مخالفت شده است. با ازدواج به منزله یک تعهد مادام‌العمر (پایداری زندگی زناشویی: ماده ۱) میزان مخالفت ۱۲٪ است.

اما، "برقراری روابط با جنس مخالف" (ماده ۱۹) و "خودداری از روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج" (ماده ۲۲)، توزیع کم و بیش مساوی بین گزینه‌ها دارند (جدول‌های ۲۱ و ۲۴). در امتداد نتایج کلی، نکات برجسته‌ای که از مقایسه بازخورد به ارزش‌های ازدواج در گروه‌ها می‌توان بیرون کشید، به‌اختصار از این قرار است: در گروه‌های قومی (مرکز استان‌ها) از ۲۷ ماده ارزش‌های ازدواج و زناشویی، به استثنای دو ماده

مردان: ۵۴٪). تفاوت‌های بازخوردی نسبت به این ۷ ماده، بیانگر موضع برابرنگر در زنان و موضع سلسله‌مراتبی در مردان است، درعین‌حال مردان نسبت به زنان از جنبه عاطفی خودپیروترند.

در باب ماده‌های مربوط به ترجیحات انتخاب همسر (جدول‌های ۳۰ و ۳۱)، در هر سه گروه ترجیحات مشابهی وجود دارد. "صادق و وفادار"، "مسئولیت‌پذیر"، "حمایت‌گر و مهربان" (۳ ارزش بعد برابرنگری) و "هوشمند"، به‌ترتیب چهار ملاک برتر ارزشی برای انتخاب همسر در هر چهار مرکز استان، در هر دو گروه سنی، و هم برای مردان و هم برای زنان محسوب می‌شوند. همچنین، چهار ملاک کم‌اهمیت به ترتیب "خویشاوند"، "طبقه اقتصادی بالا"، "همشهری" و "قدرتمند"، (رتبه‌های چهاردهم تا یازدهم، با جابه‌جایی مختصر برای ارزش همشهری در زاهدان و برای ارزش قدرتمند در نزد دانشجویان) هستند. عمده‌ترین تفاوت (معناداری در سطح $P < 0.001$) در سه گروه تقریباً مشابه است و مربوط به ارزش "مؤمن" است. اهمیت این ارزش برای جوانان تهرانی کمتر است (رتبه ۵ برای زاهدان، رتبه ۶ برای تبریز، رتبه ۸ برای سنج، و رتبه ۹ برای تهران)، همچنین برای دانشجویان (دانش‌آموزان رتبه ۷ و دانشجویان رتبه ۹) و برای مردان نسبت به زنان (رتبه ۶ برای زنان و رتبه ۸ برای مردان). تفاوت بارز دیگر در بین دو جنس ارزش "قانع" است. که برای مردان در رتبه پنجم و برای زنان با اهمیت کمتر در رتبه هفتم مشخص شده است. و آخرین نکته، اینکه گرچه ارزش "جذاب" برای مردان در رتبه ۶ و برای زنان در رتبه ۹ قرار دارد، اما تفاوت میانگین‌های دو گروه در نمره‌های این ارزش معنادار نیست.

بحث

بر مبنای الگوهای نظری انتظار می‌رفت که توسعه اقتصادی - اجتماعی دهه‌های اخیر در تغییرات ارزش‌های فرهنگی و به‌تبع، در ارزش‌های ازدواج و زناشویی، منعکس شود، چنان‌که بتوان با سنجش و تحلیل بازخورد به موضوع‌های مربوط به ازدواج آن را مشخص کرد. و حدود و ثغور این دگرگونی‌ها را

بر اساس چهارچوب مفهومی ارزش‌های فرهنگی ازدواج (دلخمش، ۱۳۸۶) در شدت سوگیری به خودپیروی و برابرنگری یا محاط‌شدگی و سلسله‌مراتبی تعیین کرد. و میزان همگرایی تغییرات بین گروه‌های قومی (چهار مرکز استان)، زنان و مردان، و جوانان و نوجوانان معلوم شود. داده‌ها از طریق یک پیمایش نسبتاً جامع گردآوری و در سطوح متفاوت تحلیل شد.

تحلیل‌ها حاکی از آن بود که: مثبت‌ترین بازخوردها به موضوع‌های ارزشی مبتنی بر خودپیروی و برابرنگری، و منفی‌ترین بازخوردها به ارزش‌های محاط‌شدگی اظهار شده‌اند. جوانان مشارکت و عشق را از مهم‌ترین اصول زندگی زناشویی می‌دانند. معتقد به استقلال زوجین از والدینشان هستند و خواهان زندگی زناشویی هستند که سرشار از لذت باشد. آنها لازم می‌دانند که پیش از ازدواج به شخصیت مستحکمی دست‌یابند و از همسر به شناخت کافی برسند. فقط ۶/۴٪ جوانان نسبت به چندهمسری مردان موضع مخالف ندارند و تنها ۱۵/۳٪ جوانان به عشق پس از ازدواج باور دارند.

اما، "پذیرش طلاق" به‌مثابه یک امر محتمل برای جوانان آسان نیست. آنها در انتخاب همسر، در بین "تبعیت از نظر والدین"، یا "پیروی از میل شخصی"، مُردند (بالغ بر ۵۰ درصد پاسخ بینابین). دیگر تردیدها مربوط است به اهمیت "ثروت و رفاه در زندگی زناشویی" و ایفای نقش "تصمیم‌گیرنده نهایی" که از ارزش‌های سلسله‌مراتبی‌اند. پاسخ آنها در این‌که تا چه حد در صورت نیاز "پیرو همسر" خواهند بود و یا تا چه حد "استقلال شخصی زوجین" را می‌پذیرند، صریح نیست. بدین ترتیب نمی‌توان سوگیری جوانان به ارزش‌های خودپیروی و برابرنگر را به تمام موضوع‌های ازدواج تسری داد. نمونه بازخوردهای دیگر مؤید این واقعیت هستند: فقط ۱۶ درصد پاسخ‌دهندگان با این باور مخالفند که "زندگی زناشویی بدون فرزند ناقص است" و تنها ۸ درصد مخالف "ریاست مرد در خانواده"‌اند. میزان مخالفت با "پای‌بندی به آداب و رسوم ازدواج"، "پیوستگی با والدین همچون پیش از ازدواج"، و "ازدواج به‌منزله یک تعهد مادام‌العمر" نیز بسیار ناچیز است. این نوسان بازخوردی در

و برابرنگر بیشتر می‌شود، پیش‌بینی شده بود که تهرانی‌ها خودپیروتر و برابرنگرتر از سایر مراکز (زاهدان، سنج و تبریز)، باشند. یافته‌ها، پیش‌بینی خودپیروی بیشتر تهرانی‌ها را تأیید کرد، اما تهرانی‌ها برابرنگرتر نبودند. این مغایرت را می‌توان ناشی از ماهیت توسعه اجتماعی - اقتصادی جامعه ایرانی دانست، به نحوی که ارزش‌های سلسله‌مراتبی را با مقتضیات بهره‌گیری از فرصت‌های فزاینده تجربه‌های هیجانی لذت‌جویانه، پیوند زده و به گونه‌ی نسبی بدان مشروعیت بخشیده است. تهرانی‌ها نسبت به جوانان سایر استان‌ها، دانشجویان نسبت به دانش‌آموزان و مردان در مقایسه با زنان فرصت‌های بیشتری برای بهره‌گیری از منابع لذت در اختیار داشته و با الزام‌های مؤکدتری برای رقابت‌جویی به خاطر دستیابی به منابع درگیرند.

پیش‌بینی غلبه‌ی بازخوردهای خودپیروتر به موضوع‌های ازدواج در جوانان دانشجویان نسبت به نوجوانان دانش‌آموز، به دلیل تجربه‌ی تحصیلی بیشتر، و گستردگی عقلی و انعطاف‌پذیری بیشتر (خودپیروتر) تأیید شد. اما، پیش‌بینی خودپیروی زنان فقط در سطح خودپیروی عقلی قابل قبول است و نه خودپیروی عاطفی که مردان بازخوردهای مثبت‌تری به تجربه‌های مستقل عاطفی نشان دادند: برای نمونه، در انتخاب همسر بر اساس میل شخصی، و برقراری رابطه با جنس مخالف پیش از ازدواج.

همچنین، توسعه‌یافتگی اجتماعی - اقتصادی فرصت‌های تجربه‌های هیجانی خود - گرا (خودپیروی عاطفی) را افزایش می‌دهد و الزام‌های انکار خود، مشروعیت خویش را از دست می‌دهند. در مقابل، همچنان که جوامع از حیث اجتماعی - اقتصادی توسعه پیدا می‌کنند، جهت‌یابی به سوی گذشته، حفظ وضع موجود، بی‌میلی نسبت به تجربه‌ها و اندیشه‌های جدید (محاط‌شدگی)، باور به پاداش‌های مبتنی بر سلسله‌مراتب سنتی، و توزیع نابرابر قدرت (سلسله‌مراتبی) کم‌اهمیت‌تر می‌شوند.

ناهمطرازای بین خودپیروی عقلی و عاطفی در بازخورد زنان به ازدواج و تفاوت آنها از مردان، بیانگر این نکته است که، تا آنجایی که عقلی‌نگری در باب ازدواج به صورت عقاید استقرار یافته درآمده باشند، زنان با سهولت بیشتری نسبت به

موضوع‌ها، به ویژه در پاسخ به "برقراری روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج" روشن و بارز است؛ توزیع کم و بیش برابر بین سه گزینه.

این نتایج نشان‌دهنده‌ی جدال نیروهای سنتی و مدرن در عرصه‌ی زناشویی هستند، و اینکه به‌رغم پیشرفت‌های چشمگیر در آموزش و دیگر معیارهای زندگی، میراث فرهنگی نقش قدرتمندی در علقه‌های سنت زناشویی ایفا می‌کند. پس تأثیر فرایند نوسازی در الگوهای ازدواج را نمی‌توان به شکل یک جابه‌جایی ساده از الگوهای سنتی به مدرن بازشناسی کرد، بلکه می‌بایست متوجه موضوع‌های بود که از تعامل پیچیده فرایندهای سنتی و مدرن در ساحت حیات زناشویی ظاهر می‌شود. قریب به اتفاق جوانان عشق را مهم‌ترین اصل زندگی زناشویی می‌دانند و به عشق بعد از ازدواج نیز باور ندارند، اما فقط یک سوم آنها با برقراری روابط با جنس مخالف پیش از ازدواج، موافقت می‌کنند.

پس اگر باید اذعان کرد که جوانان روی‌آورد غیرسنتی‌تر و خودپیروتری به زندگی زناشویی دارند، اما، ارزش‌های خودپیرو به منزله‌ی توجیهات مشروع رفتار، هنوز وسیعاً مورد پذیرش قرار نگرفته‌اند. به بیان دیگر، ارزش‌های سنتی هنوز بدان حد نفوذ دارند که پی‌گیری ارزش‌هایی را که به شدت هنجارهای اخلاق سنتی را نقض می‌کنند (در قشرهایی از جامعه جوانان) با احساس شرمساری و نایمی مواجه کنند. ارزش‌های خودپیرو به‌رغم چیرگی نسبی بر ارزش‌های محاط‌شدگی، مبادلات اجتماعی تعادل‌یافته‌ای را فراهم نمی‌سازد. بنا بر نظریه‌ی نوسازی، این عدم وفاق پیرامون اهمیت ارزش‌های خودپیرو می‌تواند با سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی - اقتصادی و ناهمسانی شرایط زندگی که جمعیت جوانان ایرانی در معرض آن هستند، مرتبط باشد. همچنان که در گرایش متعارض به دو بعد برابرنگری و سلسله‌مراتبی این حکم صادق است. قریب به اتفاق جوانان مخالف چندهمسری مردان هستند (برابرنگر)، اما در عین حال آنها می‌پذیرند که مرد رئیس خانواده است (سلسله‌مراتبی).

با تبیین ارائه شده، مبنی بر اینکه در سطوح بالاتر توسعه‌یافتگی اجتماعی - اقتصادی اهمیت ارزش‌های خودپیرو

دلخמוש، م. ت. (۱۳۸۵). سلسله مراتب ارزشی در دانشجویان ایرانی.

فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۸، ۳۱۸-۲۹۹.

دلخמוש، م. ت. (۱۳۸۶). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی.

فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۱۲، ۳۰۹-۲۹۹.

Abbasi-Shavazi, M. J., Askari-Nodoushan, A., & Thornton, A. (2012). Family life and developmental idealism in Yazd, Iran. *Demographic Research*, 26, 207-238.

Abdollahyan, H. (2004). The generations gap in contemporary Iran. *Journal of Welt Trends*, 44, 78-85.

Afkhami, M. (1994). *In the Eye of the Storm: Women in post-revolutionary Iran*. Syracuse, New York: Syracuse University Press.

Amato, P. R. (2012). Unhinged: love, marriage, and the continuing war over family values. *Contemporary Sociology: A Journal of Reviews*, 41, 470-473.

Amato, P. R., Landale, N. S., Havasevich-Brooks, T. C., & Booth, A. (2008). Precursors of young women's family formation pathways. *Journal of Marriage and Family*, 70, 1271-1286.

Azadarmaki, T., & Bahar, M. (2006). Families in Iran: Changes, challenges, and future. *Journal of Comparative Family Studies* 37, 589-607.

Blood, R., & Wolfe, D. (1960). *Husbands and wives: The dynamics of married living*. New York: Free Press.

Boxer, C. F., Noonan, M. C., & Whelan, C. B. (2013). Measuring mate preferences: A replication and extension. *Journal of Family Issues*, DOI: 10.1177/0192513X13490404.

Broude, G. (1994). *Marriage, family, and relationships*. Denver: ABC-CLIO.

Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, 12, 1-49.

مردان از ارزش‌های سنتی ازدواج فاصله می‌گیرند، اما در شرایطی که جهت‌گیری در باب ازدواج به سمت پی‌گیری احساس‌ها و خواسته‌های هیجانی شخصی‌ای باشد که می‌تواند با سرزنش‌های اجتماعی مواجه گردد، زنان در مقایسه با مردان رفتار محافظه‌کارانه‌تری در پیش می‌گیرند. بدین معنا، تفاوت زنان و مردان در خودپیروی عاطفی، با هنجارهای سخت‌گیرانه و شدت مجازات‌های اجتماعی که میل به جستجوی هیجانات برای زنان به همراه دارد، تبیین‌پذیر است.

مطلب پایانی، ترجیحات مشابه انتخاب همسر در گروه‌هاست. در مرور پیشینه (برای نمونه، باس و اسمیت، ۲۰۱۱) و با استناد به نظریه همگرایی، مشابهت ترجیحات انتخاب همسر برای دو جنس و گروه‌های قومی پیش‌بینی شد. سه اولویت نخست گروه‌ها، "صادق و وفادار"، "مسئولیت‌پذیر"، و "حمایت‌گر و مهربان"، هر سه از ارزش‌های برابرنگری هستند. با توسعه یافتگی اجتماعی - اقتصادی، باور به پاداش‌های مبتنی بر سلسله مراتب، و توزیع نابرابر قدرت (سلسله مراتبی) تضعیف می‌شوند و ارزش‌هایی که بر باور به برابری (برابرنگری) تأکید می‌کنند، قوت می‌گیرند. ارزش‌هایی که به منزله احساس تعهد برای تلاش نسبت به مشارکت داوطلبانه با همسر، حمایت و کمک به همسر و پذیرش نقش‌های برابر در زندگی زناشویی است.

محدودیت مطالعه حاضر مشهود است: همچون هر پژوهش زمینه‌یابی، نیاز به تأیید مجدد یافته‌ها با نمونه‌های جامع‌تر وجود دارد. همچنین، با اتخاذ روی‌آوردهای جامعه‌شناختی می‌توان یافته‌های تکمیلی را انتظار داشت، که به رویت ابعاد فرهنگی ارزش‌های فرهنگی ازدواج وضوح بیش‌تری ببخشد.

منابع

احمدنیا، ش. و مهریار، ا. ه. (۱۳۸۳). نگرش و ایده‌ال‌های نوجوانان تهرانی در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری و تنظیم خانواده. مجموعه مقالات دومین همایش انجمن جمعیت‌شناسی ایران. محل برگزاری: شیراز.

دلخמוש، م. ت. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۵، ۳۴-۱۵.

- Modernization and consanguineous marriage in Iran. *Journal of Marriage and the Family*, 56, 820-834.
- Haeri, S. (1989).** *Law of desire: Temporary marriage in Shi'i Iran*. Syracuse, New York: Syracuse University Press.
- Hojat, M., Shapurian, R., Foroughi, D., Nayerahmadi, H., Farzaneh, M., Shafieyan, M., & Parsi, M. (2000).** Gender differences in traditional attitudes toward marriage and the family: An empirical study of Iranian immigrants in the United States. *Journal of Family Issues*, 21, 419-434.
- Hojat, M., Shapurian, R., Nayerahmadi, H., Farzaneh, M., Foroughi, D., Parsi, M., & Azizi, M. (1999).** Premarital sexual, Child rearing, and family attitudes of Iranian men and women in the United States and Iran. *The Journal of Psychology*, 133, 19-31.
- Jankowiak, W. (1994).** *Romantic passion: The universal emotion?* New York: Columbia University Press.
- Kennedy, S., & Bumpass, L. (2008).** Cohabitation and children's living arrangements: New estimates from the United States. *Demographic Research*, 19, 1663-1692.
- Kiblitckaya, M. (2000).** Russia's female breadwinners: The changing subjective experience. In S. Ashwin (Ed.), *Gender, state and society in Soviet and post-Soviet Russia* (pp.77-94). New York: Routledge.
- Levine, R., Sato, S., Hashimoto, T., & Verma, J. (1995).** Love and marriage in eleven cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 26, 554-571.
- Manning, W. (2010).** *Trends in cohabitation: Twenty years of change, 1987-2008*. (FP-10-07). National Center for Family and Marriage Research. <http://>
- Buss, D. M., & Schmitt, D. D. (2011).** Evolutionary psychology and feminism. *Sex Roles*, 64, 768-787.
- Buss, D. M., Shackelford, T. K., Kirkpatrick, L. A., & Larsen, R. J. (2001).** A half century of mate preferences: The cultural evolution of values. *Journal of Marriage and Family*, 63, 491-503.
- Buunk, A. P., Park, J. H., & Duncan, L. A. (2010).** Cultural variation in parental influence on mate choice. *Cross-Cultural Research*, 44, 23-40.
- Chang, L., Wang, Y., Shackelford, T. K., & Buss, M. D. (2011).** Chinese mate preferences: Cultural evolution and continuity across a quarter of a century. *Personality and Individual Differences*, 50, 678-683.
- Cherlin, A. J. (2004).** The deinstitutionalization of American marriage. *Journal of Marriage and Family*, 66, 848-861.
- Cherlin, A. (2010).** Demographic trends in the United States: A review of research in the 2000s. *Journal of Marriage and Family* 72, 403-19.
- Campbell, K., & Wright, D. (2010).** Marriage today: Exploring the incongruence between Americans' beliefs and practices. *Journal of Comparative Family Studies*, 41, 329-345.
- Foa, E. B., & Foa, U. G. (1980).** Resource theory: Interpersonal behavior as exchange. In K. Gergen, M. Greenberg & R. Willis (Eds.), *Social exchange: Advances in theory and research* (pp.77-94). New York: Plenum Press.
- Gallup Poll. (1996).** *Gender and society: Status and stereotypes*. Princeton, NJ: Gallup Organization.
- Gaughan, M. (2002).** The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64, 407-419.
- Givens, B. P., & Hirschman, C. (1994).**

- path to adulthood. *Future of Children*, 20, 19-41.
- Smock, P. J., & Manning, W. D. (2010).** New couples, new families: The cohabitation revolution in the United States. In B. J. Risman (Ed.), *Families as they really are* (pp.131-139). New York: W.W. Norton.
- Smock, P. J., Manning, W. D., & Dorius, C. (2013).** *The Intergenerational transmission of cohabitation in the U.S.: The role of parental union histories*. PSC Research Report 13-791.
- Tashakkori, A., & Thompson, V. D. (1988).** Cultural change and attitude change: An assessment of postrevolutionary marriage and family attitudes in Iran. *Populating Research and Policy Review*, 7, 3-27.
- Torabi, F., & Baschieri, A. (2010).** Ethnic differences in transition to first marriage in Iran: The role of marriage market, women's socio-economic status, and process of development. *Demographic Research*, 22, 29-62.
- Townsend, J. M., & Wasserman, T. (1998).** Sexual attractiveness: Sex differences in assessment and criteria. *Evolution and Human Behavior*, 14, 171-191.
- Tremayne, S. (2006).** Modernity and early marriage in Iran: A view from within. *Journal of Middle East Women's Studies*, 2, 65-94.
- Triandis, H. C. (1996).** The psychological measurement of cultural syndromes. *American Psychologist*, 51, 407-415.
- Willoughby, B. j., Carroll, J., Vitas, J. & Hill, L. (2012).** When are you getting married? The intergenerational transmission of attitudes regarding marital timing and marital importance. *Journal of Family Issues* 33, 223-45.
- Willoughby, B. j., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2013).** Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*. DOI: 10.1177/0192513X13487677.
- ncfmr.bgsu.edu/pdf/family_profiles/file87411.pdf.
- Nwachukwu, F. J. (1990).** Attitudes of Nigerian college students toward marital roles. *Psychological Reports*, 67, 481-482.
- Parker, R., & Vassallo, S. (2009).** Young adults' attitudes towards marriage. *Family Relationships Quarterly*, 12, 18-21.
- Payne, K. K. (2011).** *On the Road to Adulthood: Sequencing of Family Experiences* (FP-11-11). National Center for Family and Marriage Research.
- Pisanski, K., & Feinberg, D. R. (2013).** Cross-cultural variation in mate preferences for averageness symmetry, body size, and masculinity. *Cross-Cultural Research*, 47, 162-197.
- Prince-Gibson, E. & Schwartz, S. H. (1998).** Value priorities and gender. *Social Psychology Quarterly*, 61, 49-67.
- Rodman, H. (1972).** Marital power and the theory of resources in cultural context. *Journal of Comparative Family Studies*, 3, 50-69.
- Schwartz, S. H. (1994).** Beyond individualism/collectivism: New cultural dimensions of values. In U. Kim, H. C. Triandis, C. Kagiscibasi, S. C. Choi & G. Yoon (Eds.), *Individualism and collectivism: Theory, method, and applications* (pp. 85-122). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Schwartz, S. H., & Ros, M. (1995).** Values in the west: A theoretical and empirical challenge to the individualism-collectivism cultural dimension. *World Psychology*, 1, 99-122.
- Schwartz, S. H. & Sagie, G. (2000).** Value consensus and importance: A cross-national study. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 31, 465-497.
- Settersten, R. A., & Ray, B. (2010).** What's going on with young people today? The long and twisted